



سخن سردبیر

رهبری به صورت یک عنوان مشهور در دنیای امروز در آمده است که تعداد زیادی کتاب درباره این موضوع در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و حتی عقب مانده جهان هر سال منتشر می شود. حتی نام برخی از نویسندگان این کتابها برای افراد غیرمتخصص هم آشناست که از طریق وسایل ارتباط جمعی دائم نظریات خود را در اختیار افکار عمومی قرار می دهند. البته نویسندگان نامبرده بیشتر برای افکار عمومی و افراد غیرمتخصص مطالب رهبری را نوشته اند تا افراد متخصص و صاحب نظر دانشگاهی، و بیشتر تمایل به گرایش عملی به رهبری دارند تا نظری. این نویسندگان و محققان به تاکید روی آن چه باید اتفاق بیفتد تا رهبری اثربخش شود تمایل دارند تا آن چه رهبری هست و تلاش دارند با تاثیر روی روشی که سازمانها به طور عملی فعالیت می کنند و با نگاه به آینده پند و آگاهی نیز به آنها بدهند. به طور مثال بسیاری از نویسندگان تمایل پیدا کرده اند تحت تاثیر عقیده «رهبری یعنی خدمتگزاری» یا «رهبر- خدمتگزار»^۱ قرار گیرند؛ موضوعی که برای اولین بار در اثر رابرت گرین لیف^۲ در سال ۱۹۷۷ با عنوان: «رهبری خدمتگزار: سفری به درون طبیعت قدرت قانونی و عظمت» ارائه شد. موضوع رهبر - خدمتگزار روی این عقیده که رهبران ملزم به خدمت به افرادند تا منافع خودشان، تاکید می کند و این عقیده ریشه در کتابهای آسمانی دارد: «خدمت کردن به دیگران باشکوهترین و بهترین پاداش رهبری است»^۳. خدمتگزاری نیاز به فروتنی، تواضع و میل به خدمت دارد. قدرت رهبر در پیروان نهفته است. رهبری یک رابطه دو جانبه است و رهبر بودن به معنای «یک بخش از» نه «جدا از» مردم است. رهبران و اعضا (پیروان) به طور

1 . Servant Leadership

2 . Robert K. Greenleaf

۳. تعبیری که در این متن پیرامون «رهبری یعنی خدمتگزاری» نقل می شود در سخنان حضرت امام خمینی (ره) بارها عنوان شده است. به خصوص این جمله که «اگر به من خدمتگزار بگویند بهتر است تا رهبر» بیانگر اشراف ایشان به جایگاه رهبری در کتابهای آسمانی است.

مشترک پا سخگو و مسئول نتایج تصمیمات و عملیات بدون روشن و تصریح کردن مرزهای مشترک تصمیم گیری اند و به خصوص به صفاتی نظیر اهمیت پرورش روحیه همکاری و تشریک مساعی و خدمتگزاری در پیروان تاکید می کنند. تقریباً همه نگرش های عمومی به رهبری یا رهبر- خدمتگزار بر اهمیت اختیار و قدرت دادن به پیروان تاکید می کنند. براساس این دیدگاه، رهبر باید اختیارات و قدرت خود را به نحوی با پیروان شریک شود که با تشکیل تیم های تصمیم گیری، تصمیمات مشترکی اتخاذ شود. توجه از تاکید روی رهبری فردی باید به خلق محیطی که در آن کارکنان سازمان بتوانند باهم آموزش ببینند، رشد پیدا کنند و رهبری کنند- سازمان یادگیرنده^۱- انتقال یابد. بیشتر روی رهبری در سطح تیمی و سیستمی فکر شود تا سطح فردی. بسیاری از نویسندگان تحت تاثیر روحیه خدمتگزاری رهبر قرار گرفته و رهبران را به این روحیه سفارش کرده اند. روحیه ای که رهبران را تشویق می کند در عوض فکر کردن به منافع خود در فکر خدمت به مردم و تامین منافع آنها باشند.